

متن پرسش

سلام استاد عزیز: می‌خواستم بدونم یک مومن تا کجا میتونه پل های پشت سرش رو خراب کنه؟ اگر شخصی مومن بوده و حتی مقام بالایی داشته ولی در حال حاضر بگونه ای کار رو خراب کرده [با غفلت] که با اینکه ته دلش میدونه خدا می‌بخشه ولی میدونه که دیگه آب از سرش گذشته. نمی‌دونم تونستم منظورمو برسونم یا نه. ولی سوال آخر اینکه الان که شخص پل های ماقبلش رو خراب کرده و مدتی به سبب آن بگونه ای از رحمت خدایی دور بوده چگونه با اینکه ضعیف النفس هست بتواند تمام گذشته را جبران کنه؟ گاهی دچار این میشم که واقعا اعتقادم به «انت اکرم من ان تضيع من ربیت و الی اخر» رو از دست میدم. چون می‌بینم خیلی زحمت کشیدم ولی باز خدا اونجوری که باید، راضی نشده. آهی می‌کشم و باز ادامه میدم. حال می‌خوام بگم شما راهی بس محکم و سریع به من نشان دهید که استارت بزوم و دیگر به عقب نگاه نکنم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. به ما فرموده‌اند که هرگز از رحمت حضرت معبود مایوس نباشید. فرموده‌اند: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» بگو ای بندگان من که در مورد خود تندروی کرده‌اید و از مرز بندگی خدا خارج شده‌اید! از رحمت خدا مایوس نگردید. به تعبیر «أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ» نظر بفرمایید تا روشن شود چه اندازه خداوند متوجه نحوه لغزش‌های ما می‌باشد و در همان راستا تذکر می‌دهد راه جبران بسته نیست. اسراف بر جان، یعنی روح و روان و جان خود را از تعادل و یگانگی خارج کردن. یعنی یک بُعدی شدن و در اموری که مهم نیست افراط و تفریط به خرج دادن. گاهی انسان نمی‌فهمد مشکلش چیست، وقتی خداوند به آن مشکل اشاره می‌کند تازه می‌فهمیم دردمان و مشکل‌مان و جهت و ریشه‌ی آن کجاست و چرا کارمان به انتخاب اموری کشیده شده که ربطی به شخصیت اصیل انسانی‌مان نداشته و عملاً گرفتار نوعی از خودبیگانگی شده‌ایم، در آن حدّ که نمی‌دانیم چگونه باید باشیم و چه نوع شخصیتی را در رابطه با خود باید دنبال کنیم؟ احساس می‌کنیم که نمی‌دانیم چه هستیم و آن انضباط قلبی را که راحت با آن با خدا بتوانیم ارتباط پیدا کنیم را گم کرده‌ایم. حسرت افرادی را می‌خوریم که در عالم روحانی خود به سر می‌برند و ما آن کیفیتی را که به کمک آن بتوانیم ماورای زمان، با روح تاریخی که اولیای الهی در آن زندگی می‌کردند، زندگی کنیم از دست داده‌ایم.

خداوند دقیقاً در آیه‌ی فوق به چنین انسانی پیغام می‌فرستد که ای پیامبر به همان‌هایی که در به کارگیری خود جانب افراط را طی کردند بگو راه بسته نیست و می‌توانید به همان نقطه‌ی کمالی که در طلب آن بودید برسید. مگر تحت تأثیر دام‌های دنیای مدرن زندگی را خراب نکرده‌ای و انضباطی را که باید در بندگی داشته باشی از دست نداده‌ای؟ از رحمت الهی مأیوس نباش، باز هم آن حالات روحانی رزمندگان، باز مناجات‌های شبانه‌ی دلسوختگان، باز ایثار و محبت همه‌ی آنها در سعه‌ی رحمت الهی، در پیش است. چرا یأس؟

۲. ظرفیت انسان آن‌چنان گسترده است که راهزنانی چون فضیل بن عیاض‌ها را تا مرز اولیای الهی پیش می‌برد که خوب است سری به زندگی‌نامه او بزنید. موفق باشید